



## الف) مقدمه

وضعیت افغانستان هستند که خود بخشی از موج هراس انگیزی، کشتار هدفمند و ربایش شهروندانی می باشد که گمان می رود یا با دولت افغانستان و نیروهای خارجی همکاری می کنند و یا با قانون و ایدئولوژی طالبان مخاfl هستند. این جرایم به صورت سازمان یافته و گسترده ارتکاب یافته اند.

همچنین، اطلاعات موجود مبنای معقولی فراهم می کند برای باورمندی به اینکه اعضای «نیروهای امنیت ملی افغانستان» و به خصوص اعضای «ریاست عمومی امنیت ملی» و «پلیس ملی افغانستان» در رویه ای نظام مندی از شکنجه و رفتار بی رحمانه شامل «خشونت جنسی» نسبت به زندانیان مرتبط با مخاصمه در زندان های افغانستان، دخیل بوده اند.

سرانجام آنکه، مبنای معقولی وجود دارد برای باورمندی به اینکه اعضای نیروهای مسلح «ایالات متحده آمریکا» و اعضای سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) مرتکب اعمال شکنجه، رفتار بی رحمانه و تعرض به کرامت انسانی، تجاوز و خشونت جنسی علیه زندانیان مرتبط با مخاصمه در افغانستان و سایر قلمروها شده اند به خصوص در بازه زمانی سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی.

4. به دلیل تعداد بسیار زیاد جرایم مرتبط با مخاصمات که در افغانستان از سال ۲۰۰۳ میلادی در افغانستان و از جولای ۲۰۰۲ میلادی در دیگر کشورها بنابر گزارش ها واقع شده است، و به دلیل تکرر گروه ها و نیروهای مسلح دخیل در مخاصمه، جرایمی که در درخواست دادستان و پیوست های آن مورد اشاره واقع شده تنها نمایانگر شایع ترین جرایم و مستندترین آن هاست. در واقع، اگر شعبه پیش-دادرسی تصمیم به صدور مجوز برای انجام تحقیقات وفق ماده ۱۵ اساسنامه رم بگیرد، این مجوز نمی بایست تحقیقات دادستان را محدود به جرایم معینی که در این درخواست ذکر شده است نماید. برعکس، دادستانی می بایست قادر باشد که نسبت به تمام جرایمی که در قلمروی وضعیت مورد اجازه واقع شده قرار می گیرد، تحقیقات انجام دهد. به خصوص آنکه وضعیت جاری در افغانستان وضعیتی است که در آن جرایم به صورت تقریباً روزانه و توسط طیف گسترده ای از کنشگران مسلح شامل برخی جمعیت های نوظهور هم در حمایت از دولت و هم علیه دولت در حال ارتکاب می باشند.

1. در بیستم نوامبر سال ۲۰۱۷ میلادی، دادستان «دیوان کیفری بین المللی»، مطابق بند سوم ماده ۱۵ اساسنامه رم، از شعبه پیش-دادرسی جهت آغاز تحقیقات راجع به «وضعیت جمهوری اسلامی افغانستان» از ابتدای جولای ۲۰۰۲ میلادی درخواست مجوز نمود. به طور مشخص، دادستان درخواست صدور یک مجوز برای انجام تحقیقات نسبت به جرایمی که بر حسب ادعا در قلمروی سرزمینی افغانستان از اول می ۲۰۰۳ میلادی واقع شده است، و همچنین جرایمی که که در ارتباط با «مخاصمه مسلحانه» جاری در افغانستان بوده و ارتباط کافی با این وضعیت داشته لیکن در قلمروی دیگر کشورهای عضو دیوان و از اول جولای ۲۰۰۲ رخ داده، نموده است.

2. افغانستان بیش از ۳۵ سال است که مخاصمه و کشمکش خشونت آمیز را تجربه کرده که عمده آن ها در سال های پیش از لازم الاجرا شدن «اساسنامه رم» برای افغانستان در اول می ۲۰۰۳ واقع شده است. از آن زمان، «مخاصمه مسلحانه» در کشور افغانستان به صورت پیوسته شدت بیشتری یافته است چراکه شورش مسلحانه رهبری شده از سوی جنبش «طالبان» وارد یک جنگ چریکی علیه دولت فعلی افغانستان و نیروهای بین المللی حامی آن، با هدف بازگشت به قدرت و تحمیل دوباره قانون خود بر کشور شده است. با شدت یافتن این مخاصمه مسلحانه، وقوع جرایم داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی که مورد گزارش واقع شده اند نیز افزایش یافته است. از سال ۲۰۰۹، میلادی که گزارش و آمار دهی های دقیق از میران تلفات شهروندان آغاز گردید، بیش از ۲۶ هزار و ۵۰۰ شهروند غیر نظامی بنابر گزارش ها توسط طرف های درگیر در مخاصمه مسلحانه در افغانستان کشته شده اند. «شهروندان غیر نظامی» هنوز هم از وضعیت اسفناک امنیتی در بسیاری از بخش های کشور و حملات تقریباً روزانه رنج می برند.

3. اطلاعات موجود «مبنای معقولی» فراهم می کند برای باورمندی به اینکه اعضای طالبان و وابستگان آن ها مسوول «جرایم جنگی» و «جرایم علیه بشریت» واقع شده در

اشکال خشونت های جنسی، استفاده، استخدام کردن و واداشتن کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت در مخاصمه و کشتن یا مجروح ساختن فریبکارانه جنگجوی دشمن، واقع شده اند.

### مکان های ارتکاب جرم

۸. این جرایم در قلمروی افغانستان، در هر ۳۴ ولایت آن ارتکاب یافته اند. «قندهار» و هلمند ولایت هایی هستند که بیشترین تاثیر مخاصمه بر آن ها بوده است با داشتن درجه بالایی از خشونت های مرتبط با مخاصمه در سراسر بازه زمانی مرتبط با وضعیت افغانستان. هرچند از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ میلادی آشوب ها بیشتر محدود به مناطق جنوبی و جنوب شرقی افغانستان بوده است از سال ۲۰۰۹ گروه های مسلح مخالف دولت نفوذ خود را تا برخی ولایت های اطراف کابل به خصوص ولایت لوگر و وردک و برخی ولایت ها در شمال به خصوص قندوز، بلخ، بغلان، فاریاب و جوزجان گسترانده اند. بازداشت گاه های نظامی ایالات متحده در منطقه پروازی «بگرام» نزدیک کابل و در ۶ ولایت در جنوب شرقی افغانستان برقرار شدند.

۹. از آنجا که افغانستان دولت عضو دیوان است، دیوان می تواند نسبت به تمام جرایم واقع شده در قلمروی سرزمینی افغانستان فارغ از تابعیت مرتکب از می ۲۰۰۳ اعمال صلاحیت نماید. به علاوه، تعداد محدودی از جرایم مرتبط با مخاصمه مسلحانه افغانستان ادعا شده است که در قلمروی لهستان، رومانی و لیتوانی که همگی عضو دیوان هستند واقع شده است. از آنجا که این جرایم در ارتباط و در زمینه مخاصمه مسلحانه در افغانستان ارتکاب یافته اند، به اندازه کافی مرتبط با وضعیت فعلی در افغانستان بوده و داخل در محدوده آن می باشد.

### زمان ارتکاب جرایم

۱۰. ۱. جرایم واقع شده در قلمروی افغانستان از اول می ۲۰۰۳ میلادی داخل در «صلاحیت زمانی» دیوان می باشد چراکه افغانستان سند تصویب اساسنامه رم را در فوریه ۲۰۰۳ میلادی تحویل نمود و اساسنامه از ابتدای می ۲۰۰۳ برای این کشور لازم الاجرا گردید.

۱. ۱. در ارتباط با جرایمی که در زمینه و در ارتباط با مخاصمه مسلحانه افغانستان و در قلمروی سایر دولت های عضو واقع شده اند، اساسنامه برای لهستان و رومانی از اول جولای ۲۰۰۲ و برای لیتوانی از اول آگوست ۲۰۰۳ لازم الاجرا شده است.

۱. ۲. وضعیتی که دادستان نسبت به آن به دنبال اخذ مجوز می باشد نه تنها جرایم ارتکاب یافته در افغانستان از اول می ۲۰۰۳ میلادی را شامل می شود، بلکه سایر جرایمی که دارای پیوندی با مخاصمه مسلحانه در

۵. برای جرایم فوق الذکر، «بی کیفیفرمانی» تقریباً یک قاعده بدون استثنا بوده است. پس از چندین دهه جنگ که نهادهای دولتی را متزلزل کرده است و پس از چند دهه بدرفتاری های مستمر با شهروندان توسط گروه های مسلح دارای قدرت، فرماندهان جنگ و حامیان آن ها در پارلمان در سال ۲۰۰۷ قانون عفوی را در ارتباط با کلیه جرایم واقع شده در ارتباط با مخاصمه و از جمله جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت تصویب کردند. تنها در این اواخر بوده است که قانون «آیین دادرسی کیفری» و قانون مجازات افغانستان اصلاح شده است تا به صراحت جرایم مورد اشاره در اساسنامه رم وارد آن ها شود و از شمول «مرور زمان» خارج شوند.

در ایالات متحده علی رغم تعدادی تفحص انجام شده از سوی کنگره که جزییات بی سابقه ای در ارتباط با شیوه های بازجویی انجام شده از سوی نیروهای مسلح و سازمان سیا افشا کرده است، نه تحقیق و نه تعقیب ملی صورت گرفته است و نه علیه افرادی که در این رفتارها دخیل بوده اند تحقیق یا تعقیبی در جریان است، و یا آنکه اطلاعات موجود برای شناسایی درون مایه پرونده های ملی مرتبط ناکافی است.

۶. در پرتو شدت اعمال ارتکاب یافته، و نبود پیگردهای ملی علیه افرادی که دارای «بیشترین مسوولیت» در ارتباط با شدیدترین جرایم واقع شده در این وضعیت می باشند، دادستان اعلام می دارد که پرونده های بالقوه ای که متعاقب تحقیقات تشکیل خواهد شد «قابل پذیرش» نزد دیوان می باشد. با در نظر گرفتن شدت جرایم و منافع قربانیان، دلایل قوی برای باورمندی به آنکه تحقیقات به «نفع عدالت» نیست موجود نمی باشد.

### ب) صلاحیت

#### ۱. جرایم داخل در صلاحیت دیوان

۷. بر مبنای اطلاعات موجود، و بدون نفی سایر جرایم احتمالی داخل در صلاحیت دیوان که ممکن است طی انجام تحقیقات شناسایی شوند، مبنای معقولی وجود دارد برای باورمندی به آنکه، حداقل، «جرایم علیه بشریت» از رهگذر قتل، زندانی کردن و یا سایر محرومیت های شدید از آزادی فیزیکی، تعقیب و ایدای یک گروه یا جمعیت قابل شناسایی بر اساس مبنای سیاسی یا جنسیتی و «جرایم جنگی» قتل، رفتار بی رحمانه و شکنجه، نقض کرامت انسانی و به خصوص تحقیر کردن و رفتارهای استخفافی، هدایت قاصدانه حملات علیه شهروندان غیر نظامی، هدایت قاصدانه حملات علیه اشخاص و یا اشیای مرتبط با ماموریت های حفظ صلح و کمک های بشردوستانه، هدایت قاصدانه حملات علیه اشیای تحت حمایت، تجاوز و سایر

مستقیم» نداشته اند را به عنوان یک جمعیت «غیر نظامی» هدف حمله خود قرار داده باشند، فراهم نمی کند. 1 7. با این حال، اگر تحقیقات مورد اجازه انجام شود، این اتهامات و همچنین سایر جرایم مورد ادعا که ممکن است بعد از آغاز تحقیقات به وقوع بپیوندند مشمول تحقیقات مناسب خواهند بود.

### ج) عنوان حقوقی و دلایلی که جرایم فهرست شده داخل در صلاحیت دیوان هستند

#### جرایم ارتکاب یافته توسط اعضای طالبان و گروه های مسلح وابسته

1 8. دادستانی اطلاعات موجود در ارتباط با جرایم ارتکاب یافته از سوی گروه های مسلح مخالف دولت به خصوص طالبان و وابستگان آن را در زمینه مخاصمه مسلحانه در افغانستان بررسی کرده است. بنابر این اطلاعات، گروه های مخالف دولت مسوول بیش از مرگ ۱۷ هزار شهروند غیر نظامی از سال ۲۰۰۹ میلادی هستند به اضافه قتل قاصدانه و همراه با التفات حدود ۷۰۰۰ شهروند غیر نظامی. از اول می ۲۰۰۳، گروه های شورشی تعداد زیادی حملات علیه اشیای مورد حمایت شامل مدارس و دفاتر غیر نظامی دولت، بیمارستان ها آرامگاه ها و مساجد و سازمان های بشردوستانه انجام داده اند. 1 9. «رهبری طالبان» به صراحت خط مشی و سیاست این گروه مبنی بر مورد حمله قرار دادن شهروندان غیر نظامی را بیان کرده است؛ هم به صورت علنی در اسناد رسمی منتشر شده از سوی رهبری طالبان مانند «کتاب لایحه» و یا در فتاوا و یا در اظهارات عمومی ایراد شده از سوی مسوولان طالبان و یا سخن گویان آن که بیان کرده اند شهروندان غیر نظامی به طور خاص هدف اولیه یک حمله بوده اند و همچنین در فهرست های عمومی که به شهروندانی که می بایست کشته و یا بازداشت شوند اشاره شده است.

2 0. مبنای معقولی وجود دارد برای باورمندی به آنکه طالبان و وابستگان آن مرتکب «جرایم علیه بشریت» از رهگذر قتل، زندان کردن و سایر محرومیت های شدید از آزادی فیزیکی، ایذا و تعقیب علیه گروه یا جمعیت قابل شناسایی بر مبنای دلایل سیاسی یا جنسیتی شده اند. این جرایم به عنوان بخشی از یک «حمله» نظام مند و/یا گسترده علیه شهروندان غیر نظامی که باور می رفته است از دولت افغانستان و/یا نیروهای خارجی حمایت می کنند و یا با ایدئولوژی و قانون طالبان مخالفت می ورزند صورت گرفته است، که دربردارنده ارتکاب متعدد رفتارهای خشن در راستای خط مشی رهبری طالبان مبنی بر گرفتن قدرت از دولت افغانستان و تحمیل قانون و نظام عقیدتی این گروه از طریق زور مرگبار بوده است. به طور ویژه، زنان و

افغانستان بوده و مرتبط با وضعیت افغانستان می باشند و در قلمروی سایر دولت های عضو از ابتدای جولای ۲۰۰۲ ارتکاب یافته اند را نیز در بر می گیرد. افراد یا گروه های درگیر

1 3. مخاصمه مسلحانه در افغانستان در بازه زمانی ذکر شده از سوی دادستان، به عنوان یک «مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی» طبقه بندی شده است که مابین دولت افغانستان که از سوی «نیروهای بین المللی کمک به امنیت» (موصوف به ایساف) و نیروهای ایالات متحده حمایت شده است از یک سو (نیروهای حامی دولت)، و گروه های مسلح غیر دولتی به ویژه طالبان از سوی دیگر (نیروهای مخالف دولت) در جریان بوده است. مشارکت نیروهای بین المللی خصیصه «غیر بین المللی» بودن این مخاصمه را تغییر نمی دهد چرا که این نیروهای در حمایت از «دولت انتقالی افغانستان» که در سال ۲۰۰۲ تاسیس شد وارد در جنگ شدند.

4 1. در نتیجه ارزیابی انجام شده، دادستانی احراز نموده است که مبنای معقولی برای باورمندی به آنکه حداقل، جرایمی که در ادامه می آید و داخل در صلاحیت دیوان می باشد ارتکاب یافته است وجود دارد. جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی ارتکاب یافته از سوی اعضای طالبان و «شبکه حقانی» وابسته به آن ها جرم جنگی شکنجه و تعرض به کرامت انسانی و خشونت جنسی ارتکاب یافته از سوی نیروهای امنیت ملی افغانستان جرم جنگی شکنجه، تعرض به کرامت انسانی و تجاوز و خشونت جنسی ارتکاب یافته از سوی نیروهای مسلح ایالات متحده در قلمروی افغانستان و اعضای سازمان سیا در یازداشت گاه های مخفی در افغانستان و در قلمروی دیگر دولت های عضو و عمدتاً در بازه زمانی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴.

1 5. دادستانی ادعای ارتکاب جرایم دیگر از سوی نیروهای مسلح بین المللی عملیات کننده در افغانستان را نیز بررسی کرده است. به خصوص «ماموریت امداد سازمان ملل» در افغانستان (یوناما) از سال ۲۰۰۹ و از هنگامی که شروع به ثبت کردن نظام مند تعداد تلفات شهروندان غیر نظامی نمود مرگ حدود ۱۸۲۰ شهروند غیر نظامی را مستند سازی کرده است.

1 6. با ارزیابی اطلاعات مربوط به تعداد پرشماری از حوادثی که منتسب به نیروهای بین المللی است، دادستانی احراز نمود که اگرچه این عملیات ها منتهی به از دست رفتن اتفاقی جان شهروندان و آسیب رسیدن به ایشان شده است، اطلاعات موجود مبنای معقولی برای باورمندی به آنکه در اکثر این حوادث نیروهای نظامی جمعیت غیر نظامی و یا شهروندانی که در مخاصمات «مشارکت

شکنجه و رفتار بی رحمانه، نقض و تعرض به کرامت انسانی، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی شده اند. این جرایم در زمینه یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی به وقوع پیوسته است. همچنین، اطلاعات موجود مبنای معقولی فراهم می آورد برای باورمندی به آنکه در بازه زمانی از ابتدای جولای ۲۰۰۲ میلادی، اعضای «سازمان سیا» مرتکب جرایم جنگی شکنجه و رفتار بی رحمانه، نقض و تعرض به کرامت انسانی، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی شده اند. این جرایم در زمینه یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی و هم در قلمروی افغانستان و هم در قلمروی سایر «دولت های عضو» دیوان صورت گرفته است.

6 2. به طور خاص، اطلاعات موجود مبنای معقولی فراهم می آورد برای باورمندی به آنکه حداقل ۵۴ فرد زندانی (که از میان طیف وسیع تری از قربانیان انتخاب شده اند) در معرض شکنجه، رفتار بی رحمانه و نقض کرامت انسانی و تجاوز و یا خشونت جنسی اعمال شده از سوی نیروهای مسلح ایالات متحده در قلمروی افغانستان و به خصوص در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بوده اند. اطلاعات موجود همچنین مبنای معقولی فراهم می آورد برای باورمندی به آنکه حداقل ۲۴ فرد زندانی در معرض شکنجه، رفتار بی رحمانه، نقض کرامت انسانی و تجاوز یا خشونت جنسی اعمال شده از سوی اعضای سازمان سیا در قلمروی سرزمینی افغانستان و یا سایر دولت های عضو دیوان (یعنی لهستان، رومانی و لیتوانی) به خصوص در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بوده اند.

7 2. اطلاعات موجود نشان می دهد که این جرایم در زمینه و در ارتباط با مخاصمه مسلحانه در افغانستان رخ داده است. به خصوص این جرایم علیه آن دسته از زندانیان مرتبط با مخاصمه به وقوع پیوسته که مظنون به عضویت در طالبان و یا القاعده بوده و یا مظنون به همکاری با آن ها بوده اند.

#### د) قابلیت پذیرش

8 2. در مرحله ارزیابی وفق ماده ۱۵، «قابلیت پذیرش» نسبت به «پرونده های بالقوه» ای که ممکن است مطرح شود سنجیده می شود. متعاقب شناسایی پرونده های بالقوه مرتبط با هر سه گروه از مرتکبان جرایم، یعنی اعضای طالبان و وابستگان آن (نیروهای مخالف دولت)، اعضای نیروهای امنیت ملی افغانستان، اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده و سازمان سیا، دادستانی احراز کرده است که پرونده های بالقوه ای که احتمالا متعاقب انجام تحقیقات نسبت به وضعیت افغانستان مطرح خواهند شد در حال حاضر قابل پذیرش نزد دیوان می باشند. در صورتیکه شعبه «پیش-دادرسی» مجوز انجام تحقیقات در

دختران به صورت آگاهانه هدف حملات طالبان و نیروهای وابسته آن ها با هدف جلوگیری از تحصیل، تدریس و کارکردن یا مشارکت در امور عمومی از رهگذر تهدید به مرگ، تحقیر کردن و ربایش و قتل بوده است.

1 2. همچنین، مبنای معقولی وجود دارد برای باورمندی به آنکه از ابتدای می ۲۰۰۳ طالبان و وابستگان آن مرتکب جرایم جنگی در زمینه یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی از طریق قتل، هدایت عامدانه حملات علیه شهروندان غیرنظامی، هدایت عامدانه حملات علیه افراد امدادی و بشردوستانه، هدایت عامدانه حملات علیه اشیا و اماکن حمایت شده، استخدام و به کارگیری «کودکان» زیر ۱۵ سال و استفاده از آن ها برای مشارکت مستقیم در مخاصمات و کشتن یا مجروح ساختن فریبکارانه جنگجویان دشمن شده اند. این جرایم جنگی، در یک حجم وسیع و به عنوان بخشی از یک طرح یا خط مشی و سیاست ارتکاب یافته اند.

#### رفتارهای ارتکاب یافته از سوی نیروهای امنیت ملی افغانستان

2 2. منابع متعددی درباره شیوع شکنجه در مراکز بازداشت دولت افغانستان گزارش داده اند مانند «کمیسسیون حقوق بشر افغانستان»، یوناما، و یک کمیسیون حقیقت یاب انتخاب شده از سوی جمهوری افغانستان در سال ۲۰۱۳.

3 2. اطلاعات موجود مبنای معقولی برای باورمندی به آنکه اعضای «نیروهای امنیت ملی افغانستان» مرتکب جرایم جنگی شکنجه و رفتار بی رحمانه، نقض و تعرض به «کرامت انسانی» و خشونت های جنسی شده اند فراهم می آورد. مقامات دولتی بنابر ادعا زندانیان مرتبط با مخاصمه را مورد شکنجه قرار داده اند که شامل ریاست امنیت ملی افغانستان، «پلیس ملی افغانستان»، ارتش ملی افغانستان، پلیس مرزی افغانستان و پلیس محلی افغانستان می باشد.

4 2. اطلاعات موجود به صورت آشکار نشان نمی دهد که جرایم ادعایی واقع شده از سوی ریاست امنیت ملی افغانستان علیه زندانیان مرتبط با مخاصمه به عنوان بخشی از یک طرح یا خط مشی مصوب در سطح بخش یا ولایت واقع شده باشند. با این حال، اطلاعات موجود نشان می دهند که جرایم واقع شده بر مبنای یک حجم وسیع به وقوع پیوسته اند.

#### رفتارهای ارتکاب یافته از سوی نیروهای مسلح ایالات متحده و سازمان سیا

5 2. اطلاعات موجود مبنای معقولی فراهم می آورد برای باور مندی به آنکه در فاصله زمانی از ابتدای اول می ۲۰۰۳، اعضای نیروهای مسلح آمریکا مرتکب جرایم جنگی

هزار و ۳۲ زخمی) به گروه های مسلح مخالف دولت منتسب شده است که اکثرا به دلیل استفاده ایشان از وسایل انفجاری غیر حرفه ای و همچنین عملیات های انتحاری بوده است. اطلاعات موجود بیان می کند که بیشتر این رفتارها با بی رحمی خاص و یا به منظور القای وحشت و ترس میان جمعیت غیر نظامی محلی صورت پذیرفته است. قربانیان، آگاهانه بر اساس مبانی تبعیض آمیز مانند وابستگی های واقعی و یا مورد تصور سیاسی آن ها و یا علل جنسیتی هدف حمله قرار می گرفته اند. همچنین هدف قرار دادن رهبران قومی و مدنی. موج کشتار هدفمند سیاسیون، کارمندان دولت، رهبران قبایل و جوامع، معلمان و دانشمندان دینی، جوامع محلی افغانستان را از نهادهای کارآمد محروم کرده است. در بسیاری از بخش های کشور، جمعیت افغانستان از دسترسی به کمک های بشردوستانه و خدمات اولیه دولت شامل مراقبت های بهداشتی محروم هستند که خود نتیجه مستقیم استراتژی آشوب گران مبنی بر هدف قرار دادن نیروهای امدادی و دولتی شامل پرسنل پزشکی و خنثی کنندگان مین می باشد.

3 4. جرایم دیگر به نحوی ارتکاب یافته اند تا بیشترین خسارت و آسیب را به بیشترین تعداد قربانیان وارد سازند؛ به عنوان نمونه، از طریق عملیات انتحاری در تجمعات عمومی شلوغ، شامل نماز های جمعه در مساجد. همچنین، استفاده گسترده از تاکتیک های خائنه شهروندان غیر نظامی را در معرض خطر فزاینده حملات نیروهای دولتی و بین المللی قرار داده است که به افزایش تلفات شهروندان می انجامد. جرایم ارتکاب یافته تاثیر به طور خاص گسترده و شدیدی بر روی زنان و دختران داشته است. تحصیل دختران تحت حملات مستمر بوده است که موجب محرومیت هزاران دختر از حق ایشان برای دسترسی به تحصیل شده است.

### اعضای نیروهای امنیت ملی افغانستان

#### صلاحیت تکمیلی

3 5. اطلاعات موجود حاکی از آن است که در این مرحله هیچ تحقیق و یا تعقیبی در سطح ملی در ارتباط با افرادی که به نظر می رسد بیشترین مسوولیت را در ارتباط با جرایم ارتکاب یافته از سوی نیروهای امنیت ملی افغانستان دارا می باشند نه انجام شده است و نه در حال انجام می باشد. علی رغم این رسوایی و ماهیت نظام مند و گستره اتهامات شکنجه و رفتار بی رحمانی به خصوص در بازداشت گاه های پلیس ملی و ریاست امنیت ملی، تا امروز مقامات افغانستان به نظر می رسد تنها تعداد محدودی پرونده در ارتباط با شکنجه و رفتار بی رحمانه با زندانیان مرتبط با مخاصمه را آغاز کرده اند. به علاوه، این پرونده ها تنها علیه افرادی اقامه شده است که یا بازجویان با مرتبه

این «وضعیت» را صادر نماید، دادستانی به ارزیابی وجود اقدامات قضایی در سطح ملی تا زمانی که تحقیقات در حال جریان است ادامه خواهد داد که شامل هر اطلاعات اضافه ای خواهد بود که از سوی دولت های مرتبط دارای صلاحیت بر مبنای ماده ۱۸ اساسنامه رم ارایه خواهد شد.

### اعضای طالبان و گروه های مسلح وابسته صلاحیت تکمیلی

2 9. اطلاعات موجود نشان می دهد که در این مرحله هیچ تحقیق یا تعقیبی در سطح ملی انجام نشده است، و یا در ارتباط با افرادی که به نظر می رسد بیشترین مسوولیت را در قبال جرایم انجام شده از سوی اعضای طالبان و یا نیروهای مسلح وابسته دارا می باشند هیچ تحقیق و تعقیبی در حال انجام نمی باشد.

3 0. پارلمان افغانستان در سال ۲۰۰۷ یک قانون «عفو عمومی» تصویب نمود که از سال ۲۰۰۹ لازم الاجرا گردید. «قانون مصالحه عمومی، عفو عمومی و ثبات ملی» به تمام طرف های درگیر در مخاصمه یک عفو قانونی اعطا می کند، شامل ان افرادی و گره هایی که هنوز هم در مخالفت با دولت اسلامی افغانستان هستند؛ بدون هیچ محدودیت زمانی و یا هیچ استثنایی نسبت به مرتکبان جرایم بین المللی.

3 1. اخیرا، تلاش هایی از سوی دولت افغانستان جهت ظرفیت سازی برای انجام وظایفی که به موجب اساسنامه رم بر عهده این دولت است و همچنین جهت تسهیل تحقیقات و تعقیب جرایم داخل در صلاحیت دیوان در سطح ملی صورت پذیرفته است. به طور خاص، در سال ۲۰۱۴ میلادی دولت افغانستان قانون آیین دادرسی این کشور را با هدف خارج ساختن جرایم داخل در صلاحیت دیوان از شمول مرور زمان های متعارف به روزرسانی نمود. همچنین، دولت افغانستان قانون جزای جدیدی را اعلان کرده است که به صراحت جرایم داخل در اساسنامه رم را مورد اشاره قرار داده و مسوولیت فرماندهان را به عنوان یکی از انواع «مسوولیت های کیفری» تعیین کرده است. لایحه این قانون کیفری در می ۲۰۱۷ از سوی پارلمان افغانستان مورد تصویب واقع شد.

3 2. در پرتو اطلاعات موجود، دادستانی پرونده های بالقوه ای که در ارتباط با جرایم ارتکاب یافته از سوی طالبان و نیروهای وابسته را شناسایی کرده است مورد ارزیابی قرار داد و به این نتیجه رسید که در حال حاضر قابل پذیرش هستند. به ان معنا که تعارض صلاحیتی میان افغانستان و دیوان وجود ندارد.

#### شدت

3 3. طی سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ میلادی، ۵۰ هزار و ۸۰۲ تلفات انسانی (شامل ۱۷ هزار و ۷۰۰ کشته و ۳۳



آن‌ها را بر عهده داشته‌اند. علی‌رغم تعدادی از تلاش‌های صورت گرفته، دادستانی قادر نبوده است که اطلاعات مشخص و یا دلیلی با ارزش اثباتی به دست آورد که ثابت نماید اقدامات صورت گرفته ایالات متحده در ارتباط با پرونده بدرفتاری با زندانیان در افغانستان و در محدوده صلاحیت زمانی دیوان بوده است که حداقل ۵۴ قربانی در این ارتباط شناسایی شده‌اند.

1 4. اطلاعات موجود حاکی از آن است که در این مرحله هیچ تحقیق یا تعقیبی در سطح ملی در ارتباط با کسانی که به نظر می‌رسد بیشترین مسوولیت را در قبال جرایم ارتکاب یافته از سوی اعضای «سازمان سیا» دارا می‌باشند انجام نشده است و در جریان نیز نمی‌باشد. تحقیق‌های محدود و یا برخی فرایندهای کیفری که آغاز شده بودند به نظر می‌رسد متمرکز بر مباحث مستقیم و افرادی که بدون حسن نیت اقدام کرده‌اند و یا در ارتباط با افرادی که راهنمایی‌های حقوقی در ارتباط با بازجویی از زندانیان ارائه کرده‌اند بوده است. به نظر نمی‌رسد پرونده‌ای در ارتباط با افرادی که تکنیک‌های بازجویی اعمال شده از سوی اعضای سازمان سیا را توسعه داده و یا مجوز آن را صادر کرده‌اند و یا دارای مسوولیت نظارتی بر آن‌ها بوده‌اند انجام شده باشد.

2 4. در ارتباط با اقدامات قضایی انجام شده در سایر کشورها، بنابر گزارش‌ها تحقیقات کیفری در کشور لهستان، رومانی و لیتوانی در ارتباط با جرایم واقع شده در بازداشتگاه‌های سازمان سیا در این کشورها در حال انجام می‌باشد. در صورتیکه شعبه پیش‌دادرسی مجوز آغاز تحقیقات را صادر نماید، دادستانی ارزیابی پیشرفت هر یک از این موارد را ادامه خواهد داد تا احراز نماید که آیا این اقدامات دربردارنده «همان متهم» و به صورت اساسی همان رفتاری که در جریان تحقیقات از سوی دادستان دیوان شناسایی شده است، می‌باشند یا خیر و اگر چنین است آیا آن‌ها راستین و «اصیل» هستند.

#### شدت

3 4. آن دسته از افرادی که احتمالاً موضوع تحقیقات در آینده خواهند بود شامل افرادی می‌باشند که تکنیک‌های بازجویی اعضای سازمان سیا که منتج به ارتکاب جرایم داخل در صلاحیت دیوان شده را طراحی کرده، یا اجازه داده و یا بر اجرای آن‌ها دارای مسوولیت نظارتی بوده‌اند.

4 4. در ارتباط با نیروهای مسلح ایالات متحده، جرایم ارتکاب یافته به نظر می‌رسد که نسبت به درصد کوچکی از تمام افراد زندانی شده توسط نیروهای مسلح ایالات متحده واقع شده باشد، که مجموع آن‌ها در بازه زمانی مورد نظر دیوان تقریباً ۱۰ هزار نفر بوده است. همچنین، رفتارهای مورد ادعا به نظر می‌رسد که در یک بازه زمانی محدود واقع شده‌اند که پس از آن به کاربستن چنین

پایین و مرتکبان مستقیم بوده‌اند و یا مسوولان بلافاصله، و نه علیه افرادی که به نظر می‌رسد بیشترین مسوولیت را نسبت به چنین رفتارهای مجرمانه‌ای برعهده دارند.

6 3. علاوه بر این، هیچ تحقیق و یا تعقیبی در سطح ملی در ارتباط با جرایمی که از سوی نیروهای بین‌المللی به وقوع پیوسته‌اند انجام شده است و نه در حال انجام می‌باشد که خود در راستای توافقات میان افغانستان و ایالات متحده و میان افغانستان و کشورهای اعزام‌کننده نیرو به «ایساف» می‌باشد که بر اساس آن‌ها اعمال صلاحیت کیفری به نحو انحصاری در اختیار مقامات دولت فرستنده نیروها می‌باشد.

#### شدت

7 3. جرایم مورد ادعا به صورت گسترده‌ای ارتکاب یافته‌اند و گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر آنکه شکنجه به صورت نهادی و ساختاری در برخی بازداشتگاه‌های معین انجام شده است. گزارش شده است که درصد بالایی از زندانیان شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه را تجربه کرده‌اند. بازداشت‌گاه‌هایی که در آن‌ها شکنجه شایع بوده است و یا به صورت نظام‌مند اعمال شده در ولایت‌های متعددی در سرتاسر کشور قرار دارند و محدود به یک منطقه جغرافیایی خاص نیستند.

8 3. شیوه‌ای که این جرایم نیز ارتکاب یافته‌اند به نظر می‌رسد به طور خاص بی‌رحمانه، طولانی و شدید بوده است و به نحوی محاسبه‌گشته که بیشترین درد را وارد سازد و شامل خشونت‌های جنسی نیز بوده است. این جرایم آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت بر سلامت جسمانی و روانی زندانیان گذاشته است مانند آسیب‌های جنسی دائمی.

### اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده و سازمان سیا صلاحیت تکمیلی

9 3. اطلاعات موجود حاکی از آن است که در این مرحله، هیچ تحقیق یا تعقیبی در سطح ملی در ارتباط با کسانی که به نظر می‌رسد بیشترین مسوولیت را در قبال جرایم ارتکاب یافته از سوی اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده دارا می‌باشند وجود ندارد.

10 4. اگرچه ایالات متحده ادعا کرده است که هزاران تحقیق در ارتباط با بدرفتاری با زندانیان انجام داده است، تا اندازه‌ای که قابل تشخیص است، این تحقیقات و یا تعقیب‌ها متمرکز بر مباحث مستقیم و فیزیکی و یا مسوولان بلافاصله ایشان می‌باشد. به نظر نمی‌رسد که هیچ کدام از این تحقیقات مسوولیت کیفری افرادی را بررسی کرده باشند که «تکنیک‌های بازجویی» اعمال شده از سوی نیروهای مسلح ایالات متحده و یا اعضای سازمان سیا را توسعه یا مجوز داده و یا مسوولیت نظارت بر اجرای

## نتیجه گیری

4 8. بر اساس ادله گفته شده و بر مبنای اطلاعات ارائه شده و مدارک پیشتیبانی شده، دادستان از شعبه پیش-دادرسی درخواست نموده است که مجوز آغاز تحقیقات در وضعیت «جمهوری اسلامی افغانستان» را از ابتدای جولای ۲۰۰۲ صادر نماید.

4 9. در انطباق با قاعده ۵۰، دادستان به «قربانیان» و یا نمایندگان حقوقی ایشان قصد خود مبنی بر درخواست اخذ مجوز برای آغاز تحقیقات را اطلاع داده است و ایشان را مطلع ساخته است که بر مبنای مقرر ۵۰ مجموعه مقررات دیوان، قربانیان تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ فرصت دارند تا اظهارات خود را به شعبه پیش-دادرسی ارسال دارند.

روش های بازجویی توسط نیروهای مسلح ایالات متحده در سرتاسر جهان به صورت رسمی منسوخ شد و «دستورالعمل میدانی ارتش» ایالات متحده، «کنوانسیون های ژنو» را به عنوان مبنای رفتار و بازجویی از تمام زندانیان برگزید. با این حال، رفتارهای ارتکاب یافته هم از حیث تعداد و هم از حیث اثرشان شدید بوده اند، و هرچند که در راستای سیاست های بازجویی اتخاذ شده در سطح محلی و نه در سطح ستاد فرماندهی بوده اند لیکن دربردارنده «مسئولیت فردی» در چارچوب فرماندهی است.

4 5. رفتار سازمان سیا با زندانیان به نظر می رسد که به طور ویژه بر اساس یک ارزیابی کیفیتی، «شدید» بوده است. رفتارهای مورد ادعا به نظر می رسد که با یک «بی رحمی» خاص ارتکاب یافته اند که شامل ساختن آسیب شدید جسمانی و روانی بوده و در یک بازه زمانی طولانی ادامه داشته است و شامل رفتارهایی می شده است که به نحوی محاسبه شده بودند که بتوانند به ارزش های فرهنگی و مذهبی قربانیان تعرض کنند و قربانیان را با یک آسیب روانی جدی رها سازند. زندانیانی که در معرض «تکنیک های بازجویی تقویت شده» بودند نمونه های آسیب رفتاری و روانی را نشان داده اند شامل پارانوئیا (کژ پنداری)، بی خوابی، کابوس، و تلاش برای آسیب زدن به خود.

4 6. به علاوه، گزارش ها حاکی از عدم گزارش دهی بدرفتاری های صورت گرفته با زندانیان مرتبط با مخاصمه از سوی هم اعضای نیروهای مسلح آمریکا و هم اعضای سازمان سیا بوده است.

## ه) منافع عدالت

4 7. شدت و حجم جرایم جنگی و جرایم علی بشریت ارتکاب یافته در افغانستان که با بازه زمانی گسترده ای که در خلال آن، این جرایم ارتکاب یافته و یا در حال ارتکاب یافتن می باشد برجسته شده است، طیف وسیعی از مرتکبان جرم در میان تمام طرف های درگیری، تکرار الگوی های جرم، و دورنمای اندک برای پاسخ طلبی و مسوولیت خواهی در سطح ملی، همگی قویا به نفع انجام تحقیقات می باشند. در پرتو ماموریت دادستان و اهداف و مقاصد اساسنامه، و بر مبنای اطلاعات موجود، دادستانی احراز کرده است که دلایل اساسی برای باورمندی به آنکه گشایش تحقیقات در خدمت عدالت نخواهد بود وجود ندارد.

تهیه شده در:

مرکز حقوق کیفری بین المللی ایران



www.icicl.org

info@icicl.org

Address:  
5037 JV, the Netherlands

